

کتاب دانیال — شماره هشتاد و شش

مکاشفه نبوی: درک فزونی معرفت و پیام فریاد نیمه شب

Jeff Pippenger

2024-02-19

مور د لومړۍ او درېیمې فرېسې د خوځښتونو تر منځ د موازي اړیکې په اړه بحث کوو، ترڅو لا ښه درک کړو چې د «پوهې زیاتوالی» په ښانه‌ییز ډول څه ته اشاره کوي کله چې د پای په وخت کې مهر پرې ماتېږي. مور هڅه کوو وښیو چې دا د حقیقت د زیاتېدونکې پیاوړتیا استازیتوب کوي چې په پای کې د وروستي باران په توګه اوج ته رسېږي، کوم چې د نیمې شپې د فریاد پیغام دی. د یوې ښانې په توګه، «د پوهې زیاتوالی» د دانیال له کتاب څخه اخیستل شوی، او هلته د داسې نبوي پوهې په توګه پېژندل شوی چې ازموینه اخلي او د عبادت‌کوونکو دوه ډلې راپیدا کوي.

او گفـت: «ای دانیال، به راه خود برو، زیرا این سخنان تا زمان آخر بسته و مهر شده است. بسیاری طاهر خواهند شد و سفید گردانیده خواهند شد و آزموده خواهند شد؛ اما شیران به شرارت رفتار خواهند کرد؛ و هیچ‌یک از شیران نخواهند فهمید، لیکن حکیمان خواهند فهمید.» دانیال ۹:۱۲، ۱۰

در سال ۱۹۸۹ «افزایش معرفت» ی مهرګشایی شد که سرانجام دو طبقه از عبادت‌کنندگان را آشکار خواهد ساخت. این دو طبقه در بستر چګونګی نسبتشان با پیام باران آخر به تصویر کشیده شده‌اند. شیران باران آخر را نه تشخیص می‌دهند و نه می‌پذیرند، اما حکیمان آن را تشخیص داده و می‌پذیرند. از این‌رو شیران هنگامی را که باران آخر آغاز به باریدن می‌کند نمی‌بینند؛ و آن در زمانی آغاز به باریدن کرد که امت‌ها در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به خشم آمدند. ما به رهبری ادونتیسیم لائودیکیه پرداخته‌ایم، آن‌گونه که در باب‌های هشت و نه حزقیال، و نیز در باب بیست‌وهشتم اشعیا نمایان شده است. در اشعیا، «مردان استهزاګر» «دروغ» را «ملجأ» خود ساختند و خود را «زیر کذب» «پنهان» کردند.

پس کلام خداوند را بشنوید، ای مردان استهزاګر، که بر این قوم که در اورشلیم‌اند حکومت می‌کنید. زیرا شما گفته‌اید: «ما با مرګ عهد بسته‌ایم، و با هاویه موافقت کرده‌ایم؛ چون تازیانه سرازیرکننده عبور کند، به ما نخواهد رسید؛ زیرا دروغ را پناهگاه خود ساخته‌ایم، و زیر کذب خویشتن را پنهان کرده‌ایم.» اشعیا ۱۴: ۲۸، ۱۵

مردان کهن اورشلیم ایام آخر، در آزمون «آرامش و تازګی» که به واسطهٔ روش «سطر بر سطر» بازنموده می‌شود، کامیاب نمی‌شوند؛ روشی که به خردمندان امکان می‌دهد باران آخر ایام آخر را از خلال تصویر تاریخی باران آخر در تاریخ میلری‌ها بازشناسند. ویرګی نبوی «مردان استهزاګر» که اشعیا در این بخش بر آن تأکید می‌ورزد، همان دروغ‌ها و اکاذیبی است که زیر آن پنهان شدند و آن را پناهگاه خویش ساختند. از این‌رو، در پیوند با آزمون پیام باران آخر («آرامش و تازګی» ای که نخواستند آن را بشنوند)، مردان کهن اورشلیم دروغی را پذیرفته‌اند.

پیام باران آخر با یک مناظره فرا می‌رسد، چنان‌که در فصل دوم حبقوق به تصویر کشیده شده است؛ آنجا که دیدبان از خدا می‌پرسد که در «مناظره» ی تاریخ خویش چه پاسخی باید بدهد، زیرا واژهٔ «ملامت‌شده» در آیهٔ نخست فصل دوم به معنای «با او مجادله شده» است.

من بر دیدگاه خود خواهم ایستاد، و خویشتن را بر برج خواهم گماشت، و دیده‌بانی خواهم کرد تا ببینم او به من چه خواهد گفت، و هنگامی که توبیخ شوم چه پاسخ خواهم داد. حبقوق ۱: ۲.

دانایان در جریان مباحثه باران آخر، حقایقی را عرضه می‌کنند که به صورت جواهراتِ میلر به تصویر کشیده شده‌اند؛ همان حقایق بنیادی‌ای که از سوی میلری‌ها شناخته، تثبیت و ارائه شدند. این حقایق به صورت مسیح، صخرهٔ اعصار، به تصویر کشیده شده‌اند.

«بگذار آنان که چون دیدبانان خدا بر حصارهای صهیون ایستاده‌اند، مردانی باشند که بتوانند خطر را پیش از آنکه بر قوم فرود آید ببینند—مردانی که قادر باشند میان حقیقت و خطا، عدالت و بی‌عدالتی تمییز دهند.»

«این هشدار آمده است: نباید اجازه داده شود هیچ چیز وارد شود که بنیان ایمان را که از زمانی که پیام در سال‌های 1842، 1843 و 1844 آمد، بر آن بنا می‌نهادیم، برهم زند. من در این پیام بوده‌ام، و از آن زمان تاکنون در برابر جهان ایستاده‌ام، نسبت به نوری که خدا به ما داده است وفادار. ما قصد نداریم پاهای خود را از سکویی که بر آن نهاده شدند برداریم، همان‌گونه که روز به روز با دعای جدی خداوند را می‌طلبیدیم و در پی نور بودیم. آیا گمان می‌کنید که بتوانم نوری را که خدا به من داده است ترک کنم؟ آن باید همچون صخرهٔ اعصار باشد. از زمانی که به من داده شد، همواره مرا هدایت کرده است.» 14 Review and Herald، آوریل 1903.

مردان قدیم پیامی کاذب دربارهٔ باران آخر عرضه می‌کنند که اشعیا آن را «دروغ» و باطلی معرفی می‌نماید. در باب هشتم حزقیال، آن تاریخ بیان شده است که مشخص می‌سازد مردان قدیم اورشلیم چه هنگام به آفتاب سجده می‌کنند، و در تقابل با کسانی قرار می‌گیرند که در باب بعد مهر خدا را دریافت می‌نمایند. سومین رجاست (نسل)، بیانگر پیامی کاذب از باران آخر است، چنان‌که در «گریستن برای تموز» به تصویر کشیده شده است. در نسل سوم آدونتیسم، که در سال 1919 آغاز شد، «دروغی» در ارتباط با انجیل کاذبی که W. W. Prescott در کنفرانس کتاب مقدس 1919 به‌طور علنی ارائه کرد، وارد شد. آن «دروغ» موضوعی مشخص از نسل سوم است، و آن «دروغ» بنیاد کاذب پیام دروغین باران آخر است که به وسیلهٔ «گریستن برای تموز» نشان داده شده است.

شایسته است زمانی صرف تعیین دقیق «دروغ» در نبوت شود، زیرا «دروغ» علت اصلی آن است که آدونتیسم لائودیکیه‌ای نمی‌تواند افزایش معرفت را در سال ۱۹۸۹ ببیند. «دروغ» این است که «قربانی دائمی» در کتاب دانیال نمایانگر خدمت قدسی مسیح است. به کاربردن نبوی «قربانی دائمی» به عنوان خدمت قدسی مسیح، تطبیقی نبوی کاذب و نادرست است؛ اما «دروغ» صرفاً مشخص ساختن این انتساب باطل «قربانی دائمی» به عنوان نمادی نبوی نیست، بلکه همچنین نمایانگر «دروغی» است که ادعا می‌کند خواهر وایت با آن تطبیق باطل موافق بوده است، و سپس از همان دروغ برای تثبیت آن تطبیق نادرست به عنوان حقیقتی مسلم استفاده می‌کند.

درک صحیح از شش آیه پایانی دانیال یازدهم، به وسیلهٔ آیات سی تا سی‌وشش به صورت نمونه‌وار ترسیم شده است؛ و هنگامی که خواهر وایت تحقق کامل فصل یازدهم دانیال را مشخص می‌سازد، بیان می‌دارد که «صحنه‌هایی مشابه آنچه توصیف شده است» در آیات سی تا سی‌وشش «تکرار خواهد شد.»

به کارگیری تعریف نادرست از «مداوم»، ساختاری تاریخی نادرست پدید می‌آورد. تاریخی که در دانیال، فصل یازدهم، آیات سی تا سی‌وشش، به تصویر کشیده شده است، شامل برداشته شدن «مداوم» است. «مداوم» یا همان کاربرد میلری است، یا کاربرد پرسکات و دانیلز. بسته به این‌که کدام کاربرد برگزیده شود، دو ساختار تاریخی متفاوت پدید خواهد آمد.

و بازوان از جانب او برپا خواهند شد، و مقدس حصین را نجس خواهند ساخت، و قربانی دائمی را برخوانند داشت، و رجاست ویران‌کننده را برپا خواهند کرد. دانیال ۱۱:۳۱.

بر اساس الهام، تاریخ نبوی‌ای که در این آیه بازنمایی شده است، و آیه سی‌ام و آیات سی‌ودو تا سی‌وشش را نیز دربرمی‌گیرد، می‌بایست در آیات چهل تا چهل‌وپنج دانیال یازده تکرار شود.

«نبوت باب یازدهم دانیال تقریباً به تحقق کامل خود رسیده است. بخش بزرگی از تاریخی که در تحقق این نبوت روی داده است، تکرار خواهد شد. در آیه سی‌ام از قدرتی سخن گفته شده است که «اندوهگین خواهد شد، [دانیال 11:30-36 نقل قول شده است].»

«صحنه‌هایی مشابه آنچه در این کلمات توصیف شده است، به وقوع خواهد پیوست.»
Manuscript Releases, شماره 13، 394.

آیه‌ای که در آن «قربانی دائمی» را می‌یابیم، آیه سی‌ویکم است.

و لشکرها از جانب او برپا خواهند شد، و مقدس قلعه را نجس خواهند ساخت، و قربانی دائمی را برخوانند داشت، و رجاست ویرانگر را برپا خواهند کرد. دانیال 11:31.

در این آیه، «بازوها» به «یاری‌او» برمی‌خیزند. «بازوها» همچون آن کسی که برای او «برمی‌خیزند»، یک قدرت‌اند. در این آیه، این «بازوها» هستند که «به یاری‌او» می‌ایستند، و این «بازوها» هستند که «مقدس حصین را نجس می‌سازند»، و این «بازوها» هستند که «قربانی دائمی را برمی‌دارند»، و نیز این «بازوها» هستند که «مکروه ویرانگر را برپا می‌دارند». در مکاشفه فصل سیزدهم، اژدها که همان روم بت‌پرست است، سه چیز را برای پاپیت فراهم می‌آورد.

اور جو حیوان میں نے دیکھا وہ چیتے کی مانند تھا، اور اُس کے پاؤں ریچھ کے پاؤں جیسے تھے، اور اُس کا منہ شیر کے منہ کی مانند تھا؛ اور اژدہا نے اُسے اپنی قوت، اور اپنا تخت، اور بڑا اختیار دیا۔
مکاشفہ 13:2.

جانور پلنگ‌مانند از سوی خواهر وایت به‌عنوان پاپیت شناسایی شده است، و در فصل دوازدهم، خواهر وایت مشخص می‌سازد که اژدها هم شیطان است و هم روم بت‌پرست.

«بدین‌سان، هرچند اژدها در درجه نخست نمایانگر شیطان است، در معنایی ثانوی، نمادی از روم بت‌پرست نیز هست.» نبرد عظیم، ۴۳۹.

در آیه دوم باب سیزدهم مکاشفه، روم بت‌پرست قدرت نظامی خود، یعنی «بازوان» خود را، به پاپیت سپرد؛ و این از سال ۴۹۶، با کلوویس، پادشاه فرانک‌ها (فرانسه)، آغاز شد. روم بت‌پرست در سال ۳۳۰ کرسی اقتدار خود را به روم پاپی واگذار کرد، هنگامی که امپراتور کنستانتین شهر روم را ترک گفت و پایتخت روم امپراتوری را به شهر قسطنطنیه منتقل نمود. روم بت‌پرست در سال ۵۳۳ اقتدار مدنی را به پاپیت بخشید، آنگاه که ژوستینیان فرمانی صادر کرد که پاپیت را به‌عنوان رئیس همه کلیساها و اصلاح‌کننده بدعت‌گذاران معرفی می‌کرد.

در آیه سی‌ویک، «بازوانی» که برمی‌خیزد، نیروهای نظامی روم بت‌پرست‌اند که از سال 496 میلادی، با کلوویس، برای پاپیت به پا خاستند. پاپیت به سبب این اقدام، فرانسه را «نخست‌زاده کلیسای کاتولیک» معرفی می‌کند، و گاه نیز از آن به عنوان «کهن‌ترین دختر کلیسای کاتولیک» یاد می‌نماید. در آیه سی‌ویک، پس از آن‌که کنستانتین در سال 321 میلادی قانون یکشنبه را صادر کرد، و سپس در سال 330 میلادی پایتخت را از شهر روم به شهر قسطنطنیه منتقل ساخت، آن امپراتوری که پیش‌تر شکست‌ناپذیر می‌نمود، آغاز به فروپاشی کرد؛ زیرا نخستین چهار قدرت شیپورها در مکاشفه باب هشت، جنگی مداوم را علیه امپراتوری روم آغاز کردند. کانون حملاتی که به دست بربرها و گنسریک انجام شد، متوجه شهر روم بود، شهری که پیش از سال 330، «مقدس قوت» برای امپراتوری روم به شمار می‌رفت. از سال 330 به بعد، جنگ‌های تهاجمی بربرها می‌بایست «مقدس قوت را آلوده

سازد»، تا آن‌که «بازوان» روم بت‌پرست از سال 496 میلادی به بعد برای پاپیت برخیزند.

روم بت‌پرست نه تنها با واگذار کردن قدرت نظامی، اقتدار مدنی، و کرسی شهر روم، سه چیز را برای قدرت پاپی فراهم ساخت، بلکه همچنین سه شاخ را نیز برای روم پاپی از میان برداشت.

در آن شاخ‌ها تأمل می‌کردم، و اینک شاخ کوچکی دیگر در میان آنها برآمد، که پیش روی آن سه شاخ از شاخ‌های نخستین از بیخ برکنده شدند؛ و اینک در این شاخ چشمانی چون چشمان انسان بود، و دهانی که سخنان بزرگ می‌گفت. دانیال ۷:۸.

سه شاخی که قرار بود در باب هفتم دانیال «از جا کنده شوند»، نمایانگر سه قدرت عمده بودند که در برابر برآمدن پاپیت به قدرت مقاومت می‌کردند. آخرین آن سه شاخ هنگامی برچیده شد که گوت‌ها در سال ۵۳۸ از شهر روم رانده شدند. آنان به وسیله «بازوان» روم بت‌پرست از شهر بیرون رانده شدند، زیرا آن «بازوان» می‌بایست پاپیت را (مکروه ویرانگر) در سال ۵۳۸ بر تخت جهان شناخته‌شده آن زمان بنشانند.

آیه سی‌ویک دانیال یازدهم، چهار کاری را مشخص می‌سازد که «بازوان» (روم بت‌پرست) قرار بود انجام دهند. آنان می‌بایست به حمایت از پاپیت «برخیزند»، چنان‌که در سال ۴۹۶ چنین کردند. آنان می‌بایست «مقدس حصین» را آلوده سازند، چنان‌که در کشمکش‌های نظامی‌ای که در طی حدود دو قرن بر شهر روم جریان یافت، به تصویر کشیده شده است. آنان می‌بایست در سال ۵۳۸ پاپیت را بر تخت زمین «برپا» کنند، و نیز قرار بود «قربانی دائمی» را بردارند.

واژه عبری ترجمه‌شده به «برداشتن» در این آیه (sur)، به معنای «حذف کردن» است. تا سال 508، مقاومت برخاسته از بت‌پرستی که در امپراتوری روم وجود داشت و در جهت جلوگیری از به قدرت رسیدن پاپیت عمل می‌کرد، به طور کامل به انقیاد درآمده یا از میان برداشته شده بود.

برای شناسایی «قربانی دائمی» به عنوان خدمت مسیح در قدس، تطبیقی کاذب است؛ اما کار واقعی‌ای که در تاریخ آدونتیست لائودیکه انجام شد و آن تطبیق کاذب را به عنوان حقیقت معرفی کرد، بر «دروغی» مشخص استوار بود که در نسل سوم آدونتیسم به وقوع پیوست. رهنمود خواهر وایت مینی بر اینکه تاریخ آیات سی تا سی‌وشش در تحقق نهایی دانیال یازده تکرار خواهد شد، این امر را ناممکن ساخت که «مردان استهزاگر» که بر اورشلیم حکم می‌راندند، تفسیری بر آیه سی‌ویک تحمیل کنند، بی‌آنکه هم‌زمان روح نبوت را رد کرده باشند.

تمسخرکنندگان تعلیم می‌دهند که پاپی‌گری، با وارد کردن عشای ربانی پاپی، که بدل کار مسیح در قدس آسمانی است، فهم حقیقی خدمت مسیح در قدس را از میان برد. اگر این معنای واقعی «قربانی دائمی» بود، آنگاه «بازوان»ی که در آیه سی و یکم برخاستند، همان پاپی‌گری می‌بودند؛ زیرا ساختار دستوری آیه اقتضا می‌کند که «بازوان» همان قدرتی باشند که «قربانی دائمی» را برمی‌دارد.

برای حفظ افسانه‌های ساختگی خود، استدلال می‌کنند که پاپیت (بازوها) مقدس آسمانی مسیح را آلوده ساخت. واژه عبری‌ای که به «مقدس» (miqdash) قوت ترجمه شده است، یا به مقدس بت‌پرستان تعلق دارد یا به مقدس خدا. اگر دانیال می‌خواست برساند که مقدس خدا به وسیله پاپیت آلوده خواهد شد، از واژه عبری «qodesh» استفاده می‌کرد که فقط می‌تواند نمایانگر مقدس خدا باشد. پس در کجای کتاب مقدس یا روح نبوت ثبت شده است که مقدس آسمانی هرگز آلوده شده باشد یا در آینده به وسیله پاپیت آلوده خواهد شد؟

یقیناً، گناهان مسیحیون کا اندراج آسمانی مقدس کے دفترناموں میں ہوتا ہے، لیکن اس تمثیل سے یہ مراد نہیں کہ خدا کا مقدس ناپاک ہو گیا تھا۔ مقدس کی تطہیر دراصل ان دفتر ثبت کی تطہیر کی

نمائندگی کُرتی تھی جو مقدس میں موجود ہیں۔ مزید برآں، پاپائی اقتدار کبھی مسیحی نہیں رہا، اس لیے اُس کا نام کبھی بھی تحقیقی عدالت کے دفترناموں میں درج نہیں ہوا۔ پاپائیت کے لیے جس واحد عدالت کی نشان دہی کی گئی ہے، وہ خدا کے غضب کی اجرائی عدالت ہے۔

«بازوہا» نیز می‌بایست «رجاست ویران‌کننده را برپا دارند»؛ و این چه قدرتی می‌توانست باشد؟ پاپیت چه قدرتی را برپا کرد؟ و آن قدرتی که در همان آغاز آیه سی‌ویک آمده است که پاپیت برای آن به پا خاست، کدام است؟

بی‌سوادان در ادونتیسیم لائودیکیه‌ای که حیات جاودانی خویش را به دست مردانی سپرده‌اند که به‌عنوان کسانی شناخته شده‌اند که قادر به خواندن کتابِ مهرشده نیستند، شاید از آن‌گونه کاربردِ تحریف‌شده کتاب مقدسی که گوش‌های خارش‌دار ایشان را آرام می‌سازد، احساس آسودگی کنند؛ اما کوشش برای آن‌که تاریخی را که باید برای تأیید خطای خود مشخص سازند گرفته، و آن را با شش آیه پایانی دانیال یازده منطبق کنند، حتی از آن نیز نامعقول‌تر است.

در تاریخ منتهی به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، که می‌توان نشان داد در آیه چهل دانیال یازده به‌عنوان پادشاه جنوب معرفی شده است، قدرت نظامی ایالات متحده به حمایت از پاپیت برخاست، آنگاه که رونالد ریگان با ضد‌مسیح نبوت کتاب مقدس اتحادی پنهانی برقرار کرد. با این کار، آشکار شد که هرگونه مقاومت پروتستانی در برابر عروج پاپیت در ایالات متحده فرونشاندہ شده بود؛ چنان‌که این امر به‌طور نمادین در رفع مقاومت بت‌پرستی در سال ۵۰۸ پیش‌نموده شده بود. پادشاه شمال (پاپیت) در این بخش نخست اتحاد جماهیر شوروی را در سال ۱۹۸۹ جاروب کرد و از میان برد، و این کار را در مشارکت با «ارابه‌ها» و «سواران»، که نمایانگر قدرت نظامی ایالات متحده هستند، و نیز با قدرت اقتصادی ایالات متحده، که به‌وسیله «کشتی‌ها» نمایانده شده است، به انجام رسانید.

ایالات متحده همان «بازوہا» پی بود که به سود پاپیت برخاست. پروتستان‌تیزم برداشته شد، همان‌گونه که مقاومت بت‌پرستی تا سال 508 فرو نشاندہ شد. در آیه چهل‌ویک، ایالات متحده به‌وسیله پاپیت مغلوب خواهد شد، و قانون اساسی ایالات متحده، که «مقدس حصن» ایالات متحده است، واژگون خواهد گردید؛ آنگاه که ایالات متحده پادشاه شمال (پاپیت) را بر تخت زمین خواهد نشاند، چنان‌که روم بت‌پرست در سال 538 چنین کرد. اگر مقالات این وب‌سایت را می‌خوانید، می‌توانید مجله The Time of the End را دانلود کنید و شرحی کامل‌تر از شش آیه آخر دانیال یازده را مطالعه نمایید؛ اما اکنون صرفاً در صدد آن هستیم که نشان دهیم شناسایی «قربانی دائمی» به مثابه خدمت مسیح در قدس، کاربردی نادرست از این نماد است. ما این کار را انجام می‌دهیم تا نشان دهیم این کاربرد نادرست، به‌واسطه دروغی عامدانه، بر ادونتیسیم لائودیکیه تحمیل شده است.

ہم اگلے مضمون میں نبوتی جھوٹ پر غور و فکر جاری رکھیں گے۔

«ما زمانی برای از دست دادن نداریم. زمان‌های پرآشوب در پیش روی ماست. جهان با روح جنگ برانگیخته شده است. به‌زودی صحنه‌های مصیبتی که در نبوت‌ها از آن‌ها سخن رفته است، به وقوع خواهد پیوست. نبوت باب یازدهم دانیال نزدیک است که به‌طور کامل تحقق یابد. بخش بزرگی از تاریخی که در تحقق این نبوت رخ داده است، بار دیگر تکرار خواهد شد.»

«در آیه سی‌ام از قدرتی سخن گفته شده است که «محزون خواهد شد، و بازخواهد گشت، و بر عهد مقدس خشم خواهد گرفت؛ و چنین خواهد کرد؛ بلکه بازخواهد گشت، و با آنان که عهد مقدس را ترک می‌کنند همدستان خواهد شد. و لشکرها از جانب او برپا خواهند شد، و ایشان مقدس حصین را ناپاک خواهند ساخت، و قربانی دائمی را برخوانند داشت، و رجاست ویرانگر را برپا خواهند کرد. و آنان را که بر ضد عهد شرارت می‌ورزند، به چاپلوسی فاسد خواهد ساخت؛ اما قومی که خدای خود را می‌شناسند، استوار خواهند بود و اعمال عظیم به‌جا خواهند آورد. و

صاحبان فهم در میان قوم، بسیاری را تعلیم خواهند داد؛ با این حال، روزهای بسیار به شمشیر و آتش و اسیری و تاراج خواهند افتاد. و چون بیفتند، به یاری اندکی مدد خواهند یافت؛ اما بسیاری با تملق به ایشان خواهند پیوست. و بعضی از اهل فهم خواهند افتاد، تا ایشان آزموده شوند، و پاک گردند، و سفید شوند، تا زمان آخر؛ زیرا این امر هنوز برای وقت معین است. و پادشاه بر وفق اراده خویش عمل خواهد کرد؛ و خود را برخواهد افراشت، و خویشتن را برتر از هر خدا خواهد شمرد، و بر ضد خدای خدایان سخنان شگفت خواهد گفت، و کامیاب خواهد شد تا آن گاه که غضب به انجام رسد؛ زیرا آنچه مقرر شده است، به عمل خواهد آمد.» دانیال ۱۱:۳۰-۳۶.

«صحنه‌هایی همانند آنچه در این کلمات توصیف شده است، به وقوع خواهد پیوست. ما شواهدی می‌بینیم که نشان می‌دهد شیطان به سرعت در حال به دست آوردن تسلط بر اذهان انسان‌هایی است که خوف خدا را پیش روی خود ندارند. همگان بگذارند که نبوت‌های این کتاب را بخوانند و درک کنند، زیرا اکنون در حال ورود به زمان تنگی‌ای هستیم که از آن سخن گفته شده است:»

«و در آن زمان میکائیل، آن رئیس عظیم که برای پسران قوم تو ایستاده است، برخیزد؛ و زمان تنگی‌ای خواهد بود چنان‌که از هنگامی که امتی پدید آمده است تا آن زمان هرگز نبوده است؛ و در آن زمان، قوم تو نجات خواهند یافت، یعنی هر که در کتاب مکتوب یافت شود. و بسیاری از آنان که در خاک زمین خفته‌اند بیدار خواهند شد، بعضی برای حیات جاودانی، و بعضی برای شرم و خواری جاودانی. و خردمندان مانند درخشندگی افلاک خواهند درخشید؛ و آنان که بسیاری را به عدالت رهبری کنند، مانند ستارگان تا ابدآباد. اما تو، ای دانیال، این سخنان را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر مهر کن؛ بسیاری به هر سو رفت و آمد خواهند کرد، و معرفت افزون خواهد شد.» دانیال ۱۲:۴-۱۳. Manuscript Releases, number 13, 394.